



یادداشت

به انقلاب سلام بگوییم!

صادق کار



جنبش تازه دیگری که از ۱۲ روز پیش شروع شد، اکنون بخش های مهمی از کشور را درنوردیده و دامنه آن به شهرهایی از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق کشور رسیده است. از تهران و کرج تا مشهد و نیشابور، از آمل و ساری تا بندر عباس، از قم و زنجان تا کرمانشاه و آبدانا، از تبریز تا سنندج، از همدان تا خرم آباد و بروجرد. در طی این ۱۲ روز رژیم فرسوده و سرکوبگر برای فرونشاندن جنبشی که به مرحله انقلاب رسیده است از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است. از کشتن ده ها نفر و زخمی کردن صدها تن تا زندانی کردن حدود ۱۵۰۰ تن دیگر. از تهدید و اغتشاگر و خرابکار عامل بیگانه خواندن مبارزان تا حمله به مراسم یادبود جان باختگان. اما با وجود همه ی این جنایات و تشدید روز افزون آنها، نه تنها قادر به فرونشاندن اعتراضات نشده بلکه با اعمال شنیع خود به گسترش و رادیکال شدن روز افزون جنبش و تبدیل آن به انقلاب کمک کرده است.

در این میان تهدیدات فرصت طلبانه دولتهای تجاوزگر امریکا و اسرائیل مبنی بر دخالت در وسط اعتراضات مستمسکی شده در دست سران جنایتکار رژیم برای فریب افکار عمومی و کند کردن روند جدایی هواداران رژیم و کشتن مبارزان سیاسی و انقلابی. به بهانه نقش داشتن این دو کشور در جنبش انقلابی مردم ایران. از سوی دیگر مردم در مبارزات روزمره خود اشکال نوینی از مقاومت مدنی را کشف و بکار می گیرند، که چرخ ماشین سرکوب را کند می کند، مردم بیشتری را به مبارزه می کشاند و در میان نیروی سرکوب شکاف و تردید و نافرمانی ایجاد می کند.

اقداماتی مانند نشستن زنان کف خیابان برای جلوگیری از تردد نیروهای سرکوبگر، تظاهرات بستگان بازداشت شدگان مقابل استانداری ها و نهاد های حکومتی تا حد دادن التیاتوم به سرکوبگران برای آزادی دستگیر شدگان، همراه شدن عده ای از نیروهای انتظامی با مردم، فرار نیروهای سرکوبگر در برخی نقاط، و غیره.

تمایل گروه های اجتماعی برای پیوستن به کاروان انقلاب، روز به روز بیشتر می شود، شکاف در میان سرکردگان رژیم و بدنه اجتماعی آن نیز پا به پای تحولات هر روز بیشتر می شود.

درست است که جنبش این بار با اعتصاب بازار شروع شد، ولی زمینه های آن از گذشته و در جنبش های پیشتر و اعتراضات پر شمار کارگری و اجتماعی و نارضایتی اکثریت مردم از وضعیت بد اقتصادی و بحرانی شدن وضعیت معیشتی فراهم شده بود. دنبال کردن سیاست شوک درمانی و تحمیل ریاضت اقتصادی حکومت و پیامدهای فقر آور آن نیز در سمت دهی به جنبش نقش مهمی دارد.



حکومت با دادن امتیازاتی به لایه های ثروتمند بازار تلاش کرد میان معترضان جنبش شکاف ایجاد نماید و به زعم خود این جنبش را نیز سرکوب کند. با این همه دادن امتیازات به بازار برای آنها نه کافی بود و نه مشکل اصلی آنها را که بی رونقی و بی ثباتی پولی عمدتاً ناشی از تحریمهای اقتصادی فلج کننده است رفع می کند. حداقل خواست بازار رفع تحریمهاست. این خواسته از حمایت عموم مردم نیز برخوردار است.

این روند، به هیچ وجه تسنعی نیست، روندی است طبیعی و ناگزیر که ریشه در وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و فشارهای برآمده از آن دارد. وضعیت به جایی رسیده که رژیم بکلی از اداره جامعه و مهار بحرانها و نارضایتی مردم مستاصل شده است و مردم هم بکلی امیدشان از بهبود وضعیت شان را از دست داده اند. نتیجتاً انقلاب به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شده است و مردم در این ۱۲ روز گامهای بزرگی در راستای انقلاب به پیش برداشته اند. مشاهده فیلمها و گزارشات مستند از تظاهرات به روشنی وجود روحیه و تمایلات انقلابی مردم را منعکس می کند و نوید پیروزی می دهد.

بهر حال وقوع انقلاب حتی اگر برای عده ای خوشایند نباشد، گریز ناپذیر می نماید. بهمین دلیل بجای مخالفت بی سرانجام با انقلاب باید به آن خوشامد گفت و تلاش کرد سمت و سوی درست به آن داد.

نیروی اصلی انقلاب کنونی جوانانی هستند که به کلی امیدشان را از این رژیم از دست داده اند و با وجود این رژیم حال و آینده بهتری برای خود نمی بینند. جوانان آگاهی که به دنبال ایجاد جامعه ای هستند که بتوانند در آن سعادت مند و با عزت زندگی کنند. محافظه کاری نسل های پیشین را هم ندارند، انرژی، انگیزه اراده، ظرفیت، و علم و دانش لازم جهت ایجاد جامعه مورد نظرشان را دارند. درست به همین دلایل است که وارد نبردی انقلابی برای تغییر سرنوشت خود شده اند و عملاً رهبری انقلاب را در دست دارند.

همکاری میان خود تلاش ویژه نماید.

از کارگران و مزد و حقوق بگیران و تهی دستان دعوت می کنیم از جنبش

سراسری نوین ایران حمایت و به آن بپیوندند!

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و

تحریمهای اقتصادی فقرآور هستیم!



منشاء های تاریخی فقر در کشورهای در حال توسعه بخش دوم

فصلی از کتاب راهنمای آکسفورد در باره فقر و جامعه

سامبیت بهاتچاریا



2. نظریه‌های علل ریشه‌ای فقر

2.1 نهادها و توسعه

اقتصاددانان، فیلسوفان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی حداقل از دوران روشنگری در اروپا و اسکاتلند با مسئله نقش نهادها در تحقق رفاه درگیر بوده اند. نقش نهادها در کاهش فقر و ترویج توسعه، به خوبی و با نثری شیوا توسط آدام اسمیت تبیین شده است. اسمیت در سال 1776 میلادی در کتاب بنیادین خود ثروت ملی می‌نویسد: "برای رساندن یک دولت از پایینترین حد بربریت به بالاترین درجه رفاه، چیز زیادی لازم نیست؛ جز صلح، مالیاتهای سبک و تأمین قابل تحمل عدالت. باقی امور به طور طبیعی و در روند عادی امور حاصل می‌شوند".

با وجود آن که بسیاری از پژوهشگران پس از آدام اسمیت به نقش نهادها پرداخته اند، اما شاید به واسطه آثار داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل، در دهه 80 قرن گذشته بود که نظریه نهادها و توسعه بار دیگر به مرکز توجه اقتصاد جریان اصلی بازگشت. نورث در سال 1994 نهادها را به عنوان "محدودیت‌هایی که به دست انسان طراحی شده اند و ساختار کنش متقابل انسانی را برمی‌سازند" توصیف می‌کند. او همچنین این محدودیتها را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند و نشان می‌دهد که این محدودیتها به ویژگیهای اجرای قواعد وابسته اند. مجموعه این محدودیتها و ویژگیهای اجرایی آنها، ساختار انگیزشی یک جامعه را شکل می‌دهد و برای نوآوری، سرمایه گذاری، کاهش فقر و رفاه نقشی اساسی دارد.

موضوع نهادها و توسعه همچنین توسط ایوانز (Evans) در سال 1995 و آمسدن (Amsden) در سال 2001 بسط داده شده است. ایوانز میان دولتهای توسعه گرا و دولتهای غارتگر در کشورهای در حال توسعه تمایز قائل می‌شود و تأثیر آنها بر توسعه اقتصادی را تحلیل می‌کند. در مقابل، آمسدن بر اهمیت نهادهای انعطاف پذیر تأکید می‌کند؛ نهادهایی که امکان سیاست صنعتی خلاقانه تر و مستقلتر را در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌آورند.

در پی آثار داگلاس نورث و دیگران در باره نهادهای اقتصادی، بسیاری از مطالعات تجربی جدید، معناداری آماری متغیرهای نهادی را در تبیین تفاوت سطح زندگی میان کشورها آزموده‌اند. ناک (Knack) و کیفر (Keefer) در سال 1995 و هال (Hall) و جونز (Jones) در سال 1999، از جمله پژوهشگران اولیه ای هستند که نهادها و حکمرانی را به عنوان متغیرهای تبیینی تفاوت فقر و رفاه میان کشورها بررسی کرده‌اند. آنها با



استفاده از شاخصهای نهادی به عنوان متغیرهای توضیحی، که در آن تولید ناخالص داخلی سرانه متغیر وابسته است، نشان می‌دهند که این متغیرها از نظر آماری معنادار اند.

با وجود آن که بسیاری از مطالعات تجربی اولیه از معناداری آماری گزارش می‌دهند، پرسشهایی در باره جهت علیت در رابطه میان نهادها و عملکرد اقتصادی مطرح شده است. می‌توان استدلال کرد که علیت از کیفیت نهادها به سوی عملکرد اقتصادی جریان دارد. با این حال، می‌توان استدلالی معکوس نیز مطرح کرد: این که کشورهای ثروتمندتر توانایی بیشتری برای تأمین و حفظ نهادهای باکیفیت دارند و بنابراین علیت از تولید ناخالص داخلی سرانه به سوی کیفیت نهادی جریان می‌یابد.

مقاله عجم اوغلو (Acemoglu) و همکاران در سال ۲۰۰۱ احتمالاً نخستین اثری است که در این چارچوب، یک تبیین علیّی را با شواهد تجربی معتبر ارائه می‌کند. آنان استدلال می‌کنند که اروپاییان بسته به امکانات برای استقرار، از شیوه‌های متفاوتی از استعمار استفاده کردند. در محیطهای گرمسیری، مهاجران اروپایی ناچار بودند با بیماریهایی چون مالاریا و تب زرد مقابله کنند و با نرخ بالای مرگ و میر مواجه بودند. این شرایط مانع از استقرار پایدار آنان در این مناطق شد و استخراج منابع به مهمترین - و در بسیاری موارد به تنها - فعالیت اقتصادی این مستعمرات تبدیل گردید. برای پشتیبانی از این فعالیتهای، استعمارگران نهادهایی با ماهیت استخراجی ایجاد کردند.

در مقابل، در شرایط اقلیمی معتدل، مهاجران اروپایی احساس سازگاری بیشتری داشتند و تصمیم به سکونت گرفتند. آنها در این مناطق نهادهایی بنا نهادند که با حمایت قوی از حقوق مالکیت و اجرای کارآمد قراردادها مشخص می‌شدند. این نهادها در گذر زمان تداوم یافتند و بر ساختار انگیزشی این جو

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارت تشکیل دهیم!

حکومت دغلکار و ماجرای حذف ارز کالاهای اساسی

صادق





خیلی اوقات از زبان مقامات و مدیران ارشد حکومتی حرف‌هایی زده می‌شود که به سخن ابلهان می‌ماند و انسان را شگفت زده می‌کند.

گاهی اوقات نیز به مصداق ضرب المثل معروف (کافر همه را به کیش خود پندارد) گویی مردم را ابله می‌پندارند. اگر نه از یک وزیر و رئیس جمهور زدن بعضی حرف‌ها بعید و موجب مضحکه مردم می‌شود.

برای مثال چند روز پیش رئیس جمهور برای توجیه حذف ترجیحی مختص کالاهای اساسی گفت، قیمت گوشت با دلار آزاد برای ما کیلویی ۶۰۰ تومان تمام می‌شود و این ارزانتر از گوشت با ارز ترجیحی است!

مقامات دولتی مرتب قیمت کالاها در کشورهای همسایه را به رخ مردم می‌کشند تا ضعف و استیصال و فریبکاری‌های خود را زیر آن پنهان کنند. مثلاً ادعا می‌شود که قیمت کالاها در کشورهای همسایه خیلی بیشتر از ایران است و این کشورها به صورت الگو برای مقایسه آنها درآمده است.

در پاسخ به این ادعا روز گذشته یک کارشناس مطلع و منتقد این گونه اظهارات نوشت:

" در عمان، کارگران ساده با حقوق ماهانه متوسط ۱۸۰۰ ریال عمانی – معادل حدود ۴۶۷۵ دلار – زندگی می‌کنند. این مبلغ بیش از ۴۵ برابر دستمزد کارگران ساده در ایران است. متوسط حقوق کارگران ترکیه علی‌رغم آزادسازی‌ها و تعدیل‌های ماه‌های اخیر، ۲۵ هزار لیر یا حدود ۹۰۹ دلار است که باز هم ۹ برابر حداقل دستمزد کارگران در ایران است. دستمزدها در امارات ۴۰۰۰ دلار، قطر ۳۰۰۰ دلار و عربستان ۲۰۰۰ دلار است؛ در واقع در کشورهای همسایه، کارگران حداقل ۱۰ برابر و گاهی تا ۴۰ تا ۵۰ برابر ایران حقوق ماهانه می‌گیرند."

یعنی اینکه اگر می‌خواهید قیمت‌های بنزین، نان، گوشت، مرغ و... با کشورهای همسایه هم‌تراز کنید، دستمزدها را نیز بجای اینکه زیر خط فقر منجمد کنید، به سطح آنها برسانید.

اما فقط چند روز بعد از قطع اختصاص یارانه ارزی به کالاهای اساسی رسانه‌های خودشان از سه برابر شدن قیمت روغن خوراکی، و دوبرابر شدن یک‌شبه قیمت مرغ و تخم مرغ که هر سه مورد از اقلام خوراکی پر مصرف مردم هستند خبر دادند. سخنگوی دولت نیز که همیشه نقش ماست مالی کردن قضایا و وارونه کردن حقایق را بر عهده دارد، از افزایش قیمت بقیه اقلام بین ۲۰ تا ۳۰ درصد خبر داد که البته همه‌ی حقیقت نیست.

پزشکیان نیز انگار یادش رفته باشد که قبلاً قطع یارانه نقدی ۳ دهک بالای جامعه و افزایش مالیات افزوده را گفته بود خرج معیشت مردم می‌کند، این بار نیز مدعی شد ارز ترجیحی را مستقیم به خود مردم می‌دهد! ظاهراً مقصود رئیس جمهور از دادن مستقیم یارانه ارز ترجیحی به مردم همان کالا برگ ۷۰۰ هزار تومانی است که بعد از آغاز اعتراضات مردم مبلغ آن را به یک میلیون رساندند بلکه مردم را از ادامه اعتراضات شان بازدارند و خانه نشین کنند. ارزش همین مبلغ نیز که در درون سیستم نیز مخالفانی دارد، با افزایش جهشی قیمت دلار و کالاها هم اکنون از دست رفته است و فقط منت‌اش بر سر مردم مانده است.

به عبارتی کاری که با مردم دارند می‌کنند به یک کلاهبرداری می‌ماند تا بهبود معیشت. حکومت دو برابر از آنچه که مرحمت فرموده و از صندوق کشور به مردم داده است را با حذف ارز ترجیحی از آنها یک‌شبه پس



گرفته است. و بیشتر از آن را با منجمد کردن دستمزدها زیر خط فقر و افزایش مالیات افزوده بطور غیر مستقیم که در نهایت توسط مصرف کنندگان باید جبران شود پس خواهد گرفت.

اما آیا حکومت قادر خواهد شد با این دوز و کلک ها مردم را فریب داده و آرام نمایند، خیر. ماهیت این ترفندها پس از دهها سال چنان افشا شده و لو رفته است که امروزه بتواند مردم را بفریب و خانه نشین کند و مانع از کشاندن جامعه به آستانه انقلاب گردد.

مردم از حکومتها انتظار، آزادی، رفاه، امنیت، عدالت و برابری دارند، حکومت اسلامی هیچ کدام از اینها را نتوانسته و نمی تواند تامین کند، به همین دلیل محکوم به فناست. در کشور ما ظرفیت کافی برای ایجاد رفاه و استقرار عدالت اجتماعی در صورت استقرار یک نظام دموکراتیک و مردمی وجود دارد. آنچه امروز فقر و فلاکت را بر مردم این کشور ثروتمند مستولی کرده است وجود نظام مستبد و غارتگر و فاسد فقهاتی است که با به انحصار در آوردن نیمی از دارایی ها و درآمدهای کشور تحت عنوان "انفال" و تقسیم بخشی از آن میان عوامل خود اکثریت مردم کشور ما را به فقر و فلاکت کشانده است. با خارج کردن این دارایی ها از چنگ تبهکاران فاسد و مال اندوز و انحصارگر و ملی کردن آنها منابع کافی برای پایان دادن به فلاکت و فقر بوجود خواهد آمد. این آن جوابی است که باید به کسانی که ادعا می کنند، پول برای افزایش حقوق ندارند داد. بله پول هست، ظرفیت هست، امکانات مکفی برای غلبه بر فقر و فلاکت و ایجاد رفاه هست، ولی همه اینها در انحصار عده کمی است که با کمک استبداد و سرکوب از توزیع عادلانه ثروت ها و درآمدهای کشور میان مردم جلوگیری می کنند. به همین دلیل باید قبل از همه شر این رژیم ستمگر را از بیخ و بن برکنند.

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

نئولبرالیسم در ایران و پیامدهای آن

بهروز فدایی



نئولبرالیسم در ایران و پیامدهای آن

بخش دوم



نگاهی بر اقدامات اقتصادی و سیاسی، نیروی فکری و پیامدهای اجتماعی هر دولت در روند بکارگیری
نئولیبرالیسم

دولت مهندس موسوی (۱۳۶۰-۱۳۶۸)

جهت‌گیری اقتصادی: اقتصاد دولتی - همراه با فراهم شدن زمینه‌های اقتصاد نئولیبرالی در آینده
اگرچه گرایش غالب در دولت موسوی اقتصاد دولتی و برنامه محور تلقی می‌شد، اما سه عامل مهم در این
دوره زمینه گرایش به نئولیبرالیسم در دولتهای بعدی را فراهم کرد

الف) عوامل ساختاری

گسترده شدن ملی‌سازی‌ها و تصدی‌گری دولت
ناکارآمدی برخی از بنگاه‌های دولتی و تقویت نیروهای طرفدار نئولیبرالیسم اقتصادی بازارگرا و بازگشت به
بازار را فراهم کرد.

جنگ و کسری بودجه شدید و
فشارهای مالی باعث شد تکنوکرات‌ها بتوانند نسخه‌های بانک جهانی را در درون سیستم جا بپندازند.

پایان گرفتن سیستم کوپنی
جامعه برای «آزادسازی» و «عادی‌سازی» اشتیاق پیدا کرد.

ب) نیروهای مؤثر

چهره‌هایی مانند بهزاد نبوی، عرب‌مازار، وفابخش و دیگران در آن زمان طرفدار اقتصاد دولتی بودند.

اما تکنوکرات‌های لیبرال‌تر در سازمان برنامه و بانک مرکزی همچنان فعال ماندند.

نتیجه کلی

دولت موسوی نئولیبرال نبود، اما در اثر بحران‌ها و ساختارهایی که ایجاد شد
در دولت بعدی، زمینه ساز اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری شد.

دولت سازندگی - هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

نقطه آغاز رسمی نئولیبرالیسم در ایران

دوره رفسنجانی سر آغاز اجرای سیاست‌های تعدیلی نئولیبرالستی در ایران بعد از انقلاب بود

در این دوره اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در دستور کار قرار گرفت. در

الف) سیاست‌های کلیدی نئولیبرالی

آزادسازی قیمت‌ها (حذف تدریجی کنترل‌ها)



خصوصی‌سازی گسترده (بیشتر به نهادهای شبه‌دولتی)

آزادسازی تجارت و کاهش تعرفه‌ها

جذب سرمایه خارجی

کاهش یارانه‌ها

بازارمحور کردن نرخ ارز

ب) نیروها و افراد مؤثر

محسن نوربخش (رئیس بانک مرکزی): معمار تعدیل ساختاری

محمدهادی نژادحسینیان

اقتصاددانان تکنوکرات در سازمان برنامه

مشاورانی نزدیک به سیاست‌های بانک جهانی

ج) پیامدهای اجتماعی

رشد طبقه متوسط جدید

افزایش شدید نابرابری

رشد بیکاری و تورم شدید در دوره‌ای از ریاست جمهوری هاشمی

مهاجرت به حاشیه شهرها

تقویت نهادهای شبه‌دولتی

نتیجه کلی

پایه‌های نفولیرالیسم ایرانی در این دوره ریخته شد:

بازارگرایی اقتصادی + دولت مقتدر و متمرکز.

دولت اصلاحات - خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

تلفیق آزادی سیاسی و مدنی نسبی با اقتصاد بازار محور

این دولت با هدف توسعه سیاسی شناخته می‌شود، اما در حوزه اقتصادی مسیر دولت سازندگی را ادامه داد.

الف) سیاست‌های اجراشده

خصوصی‌سازی ادامه یافت



تقویت بازار سرمایه و اصلاح نظام بانکی

آزادسازی بیشتر در تجارت خارجی

افزایش تعامل با نهادهای مالی بین‌المللی

تلاش برای پیوستن به آنها

ب) نیروهای فکری

مسعود نیلی

فرهاد نیلی

محمود صدری، موسی غنی‌نژاد، محسن رنانی (در سطح فکری)

تکنوکرات‌های لیبرال سازمان برنامه

ج) پیامدهای اجتماعی

رشد طبقه متوسط شهری

کاهش تضاد طبقاتی در کوتاه‌مدت

تقویت بخش خدمات بازارمحوراما

فساد ناشی از خصوصی‌سازی‌های بی‌ضابطه ادامه یافت

شکاف طبقاتی در انتهای دوره دوباره افزایش یافت

نتیجه کلی

دولت خاتمی کوشش نمود برای پیشبرد سیاستهای اقتصادی نئو لیبرالیستی خود برای اینکه با مقاومت اجتماعی زیاد مواجه نشود از روش های نرمتری بهره بگیرد..

دولت احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

عدالت‌محوری در گفتار - اجرای رادیکال‌ترین سیاست نئولیبرالی در عمل از مشخصات بارز دولت احمدی نژاد بود

دولت احمدی نژاد پارادوکسیکال‌ترین دولت در زمان خود بود..

الف) مهم‌ترین سیاست نئولیبرالی این دوره

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها (۲۰۰۹)



آزادسازی شدید قیمت انرژی

حذف یارانه سوخت

پرداخت نقدی یارانه به جای حمایت ساختاری

این سیاست، یکی از رادیکالترین نسخه‌های آزادسازی قیمت در جهان محسوب می‌شود

(ب) سایر سیاست‌های بازارمحور

خصوصی‌سازی گسترده (واگذاری‌های بزرگ به شبه‌دولتی‌ها؛ «خصوصی‌سازی»)

کوچک‌سازی بخش‌هایی از دولت

افزایش نقش بازار آزاد در تعیین قیمت‌ها

انحلال سازمان برنامه و بودجه (که خود اقدامی برای تمرکز قدرت بود)

(ج) پیامدهای اجتماعی و اقتصادی

افزایش شدید تورم

سقوط قدرت خرید طبقه کارگر

تضعیف طبقه متوسط

افزایش فقر ساختاری

تقویت نهادهای شبه دولتی به عنوان بازیگران اصلی اقتصاد

نتیجه کلی

دولت احمدی نژاد دولتی از جنس دولتهای نئولیبرالیستی بود که سعی میکرد برنامه های خود را بدون نهاد

و بدون سازوکار حمایتی لازم پیش ببرد

نتیجه: شوک تورمی، نابرابری، و فرسایش طبقه متوسط.

دولت روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰)

بازگشت نئولیبرالیسم تکنوکراتیک + گفتمان ثبات‌سازی

این دولت تلاش کرد نظم مالی و پولی را بر مبنای نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تثبیت

کند.

(الف) سیاست‌ها

کنترل نقدینگی و افزایش نرخ بهره

تقویت بانک‌ها و نهادهای مالی



اتداوم و تشدید خصوصی سازی

کاهش تدریجی یارانه ها

تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی (برجام)

(ب) نیروهای اثرگذار

مسعود نیلی (مشاور ارشد اقتصادی)

تیم تکنوکرات های لیبرال

تمرکز بر شاخص های اقتصاد کلان (تورم، نرخ ارز)

(ج) پیامدها

ثبات نسبی تورم تا سال ۱۳۹۶ اما

بحران های بانکی

جهش قیمتی ارز ۹۷ تشدید نابرابری کاهش قدرت خرید طبقه متوسط

نتیجه کلی

اقتصاد ایران به یک مدل بانک محور و بازار محور ناپایدار سوق داده شد؛
نابرابری افزایش یافت و اقشار پایین تر آسیب دیدند.

دولت رئیسی (۱۴۰۰ تا امروز)

ترکیب اقتصاد دستوری با اجرای ادامه دار سیاست های بازار محور

گرچه در ظاهر با اقتصاد بازار فاصله دارد، اما عملکرد اقتصادی دولت رئیسی ادامه سیاست های
نئولیبرالی کاهش یارانه ها و افزایش نقش بازار در تعیین قیمت ها و سیاست های اقتصادی دولت بود در دوره
رئیسیت سیاست شوک درمانی اقتصادی شدت پیدا کرد و گام های در جهت حذف ارز ترجیحی به پیش
برداشته شد. .

(الف) سیاست ها

حذف ارز ۴۲۰۰ (آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی)

گسترش و افزایش خصوصی سازی و خصولتی سازی

افزایش قیمت انرژی و خدمات تمرکززدایی بودجه ای

کاهش نقش دولت در تنظیم بازار



واگذاری مدارس و خدمات عمومی به بخش خصوصی/غیردولتی

(ب) پیامدهای اجتماعی

رشد شدید تورم

فقر شدن بخش بزرگی از طبقه کارگر و متوسط

تعدیل قوانین حمایتی و تضعیف حقوق طبقه کارگر

افزایش هزینه‌های درمان و آموزش

کاهش حمایت دولتی از اقشار آسیب‌پذیر

نتیجه کلی

این دوره نمونه‌ای از نئولیبرالیسم تورم‌محور بدون نهادهای حمایتی است.

جمع‌بندی نهایی: مدل ایرانی نئولیبرالیسم

نئولیبرالیسم در ایران یک نسخه بومی شده از مدل اصلی با تناقضاتی در درون خود است که این ویژگی‌ها را دارد:

از دولت سازندگی آغاز شد

در دوره‌های بعدی ادامه یافت

خصوصی‌سازی انجام شد اما بیشتر به نهادهای شبه‌دولتی

بازار آزاد اجرا شد اما بدون زیرساخت حقوقی و رقابتی

یارانه‌ها حذف شد اما همزمان با آن نظام حمایت اجتماعی تضعیف شد.

به همین دلیل، خروجی آن نابرابری شدید

فرسایش طبقه متوسط و فقر بیشتر طبقه کارگر

بزرگ شدن نهادهای شبه‌دولتی تورم‌ساختاری

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قراردادهای اسارت‌بار موقت حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!



به نام کارزارمزدی، به کام حکومت مستبد!

ع امید



"به گزارش خبرنگار ایلنا، نیروهای شرکتی با راه انداختن کارزاری، خواستار شفافیت در ماده ۴۱ قانون کار و افزایش دستمزد متناسب با هزینه های زندگی شدند".

طرح چنین کارزارهایی که همیشه خدا روی صفحه خبرگزاری ایلنا بدون اینکه با عمل جدی همراه شده باشد به یادگار می ماند کم مطرح نشده اند.

بحث بر سر ناموجه بودن یا نبودن کارزار هایی با خواسته های معین نیست. همه ی کارزارهایی هم که راه انداخته می شوند با نیت نا سالم نیستند.

اما هر وقت کارزاری برای هدف معینی راه اندازی می شود برای دانستن انگیزه کسانی که آن را راه اندازی کرده اند، باید دانست چه کسانی هستند و نیت شان از راه اندازی آن چیست و در چه فضایی اقدام به این کار کرده اند.

پشت این کارزار تشریفاتی که بنام کارگران شرکتی به راه افتاده در واقع یک جریان حکومتی قرار دارد که در سر بزنگاه های سیاسی برای منحرف کردن کارگران از مسیری که باید برای مطالباتشان طی کنند، قرار دارد. جریانی که هیچگاه نتوانسته و در واقع نخواسته است اهدافی را که مدعی آن هست به عمل در آورد. ایراد هم نمی شود به آنها گرفت، مامور هستند و معذور. اما باید تلاش کرد نقشه و هدف واقعی شان را بر ملا کرد.

در این کارزار مطالباتی مطرح شده که تکراری هستند، همین جریانات بارها هنگامی که مبارزات کارگران برای احقاق حق شان اوج گرفته و منافع کارفرمایان و دولتمردان از طرف کارگران به چالش کشیده شده سعی کرده اند با ترفندهای از پیوستن بخشی از کارگران به بقیه در یک اعتراض جمعی با دادن وعده های فریبنده جلوگیری کنند.

مبارزه برای افزایش واقعی دستمزد سالهاست که به اشکال مختلف ادامه دارد و سال به سال گسترده تر شده است. با این وجود حکومت و کارفرمایان از پذیرش آن طفره رفته اند. حالا سوال از معماران پشت این کارزار این است که، وقتی این خواسته اساسی با انجام هزاران اعتصاب و تجمع حاصل نشده است، چطور ممکن است با کارزار که در واقع چیزی غیر از نامه نویسی به مقاماتی که حتی حوصله خواندن چنین نامه هایی را ندارند، می شود موافقت آنها را با افزایش حقوق به دست آورد؟ مگر نه این است که ده ها بار به این وسیله متوسل شده اید و دست از پا درازتر بدون نتیجه جواب رد گرفته اید؟ تکرار اقدامات شکست خورده چه حاصلی برای کارگران دارد.



یک بند در این نامه خطاب به مسئولین وجود دارد که ماهیت واقعی و سبب راه اندازی این کارزار قلابی را افشا می کند و برهانی است بر صحبت هایی که در سطوح بالا مطرح شد.

در بند سوم نامه خطاب به مسئولین حکومتی گفته می شود

:"نادیده گرفتن مطالبات صنفی، راه را برای موج سواری معاندین باز می کند"...

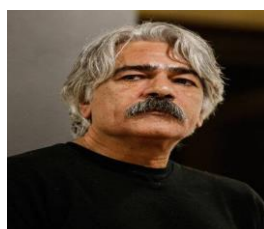
محتوی همین یک بند که در اوج اعتراضات و اعتصابات مردمی مطرح شده به وضوح ماهیت این اقدام را بر ملا می کند و معلوم می شود که هدف راه اندازی این به اصطلاح کارزار نه لزوماً برای افزایش دستمزد، بلکه برای جلوگیری و تهدید کارگران شرکتی از پیوستن به اعتراضات مردمی با دادن وعده گرفتن حق شان از طریق نامه نگاری به مقامات دولتی است. این بند همچنین ماهیت و نسبت واقعی انجمن تهیه کننده "کارزار" کذایی با حکومت را روشن می کند. سیاست دستمزدی حکومت تنها زمانی می توان تغییر کند که کارگران تشکل مستقل خودشان را داشته باشند، به مبارزات دسته جمعی عدالتخواهانه مردم بپیوندند، دست رد به سینه انجمن های حکومتی بزنند و فریب راه کارهای انحرافی آنها را نخورند. حالا که گروه های اجتماعی بطور جدی وارد مبارزه همه روزه با حکومت استبدادی و ستمگر و برنامه های اقتصادی اجتماعی و سیاسی فقرافزای آن شده اند، منافع کارگران و مزد بگیران ایجاب می کند حقوق خود را با پیوستن به این جنبش بزرگ و متنوع مردمی که برای آزادی و عدالت مبارزه می کند دنبال کنند

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارت تشکیل دهیم!



متأسفانه در طی دوهفته گذشته تعداد مبارزانی که توسط ماموران رژیم جنایتکار به قتل رسیده اند روز به روز بیشتر شده است. روز گذشته ویدئوی تکان دهنده ای از یک سیلو در کهریزک که پیکر صدها جان باخته در آن قرار داشت منتشر شد که خانواده های جان باختگان مشغول جستجوی پیکر بستگان خود بودند. این ویدئوتنها یک مورد از جنایت هولناک و تکان دهنده ای است که طی دو هفته اخیر توسط رژیم در تهران انجام گرفته است





درخواست کیهان کلهر از اهالی موسیقی جهان برای حمایت از مردم معترض ایران
کیهان کلهر، موسیقی‌دان و نوازنده برجسته کمانچه ایران، با انتشار پیامی از همه اهالی موسیقی در جهان خواست صدای مردم ایران باشند.
او با انتشار استوری در اینستاگرام با اشاره به سال‌ها رنج و سرکوب مردم ایران، از هنرمندان خواسته است در برابر خشونت سازمان‌یافته حکومت سکوت نکنند و در کنار مردم بایستند.
«نزدیک به چهار دهه است که کمانچه‌ام بر تابوت عزیزترین کسانم گریسته است. امروز از همه موسیقیدانان می‌خواهم که به من بپیوندند و صدای مردم ایران باشند»



اقتصاد اخلاقی تهیدستان شهری

🔥 کیوان مهتدی

چند سال پیش یکی از مقامات گفت اگر به خانواده کشته‌شدگان دوتا گونی برنج می‌دادند راضی می‌شد. البته همان زمان خانواده آن معترض کشته‌شده پاسخ درخوری به آن نانمند مردم داد. اما دیروز تصویر مردمی که کیسه‌های برنج را با گشاده‌دستی و تشویق همگانی به هوا می‌ریزند، نقطه‌ی پایانی گذاشت بر خوداریاب‌پندارانِ دوگونی‌برنجی.

مردمی که کیسه‌های برنج را به هوا می‌ریزند، به تمام طرفین مدعی نشان می‌دهند که شما نمی‌توانید اعتراض مردم را به شورش برای شکم یا شورش علیه گرسنگی صرف تقلیل دهید. مسأله مردم نه غارت انبارها است، نه سیر کردن شکم‌ها به هر قیمتی. آنها اقتصاد اخلاقی خود را دارند، که مسأله‌ی آن گرانفروشی، احتکار، سوداگری، و سودجویی علیه منافع عمومی است.

مردمی که کیسه‌های برنج را به هوا می‌ریزند به تمام طرفین، و تمام نمایندگان خودخوانده نشان می‌دهند که اعتراض فقرای شهری را نمی‌توانید به ابزارهایی در کشمکش جناح‌های حاکم و یا حرکاتی ناشی از تحریک عوامل خارجی تقلیل دهید. چون این مردم، فرهنگ سیاسی و ذهنیت مختص به خود را دارند؛ درکی که به این اعتراض مشروعیت می‌بخشد و مبارزه علیه بی‌عدالتی را به یک وظیفه همگانی تبدیل می‌کند.

در واقع، شورش نان و انرژی بخش مهم و نادیده‌گرفته‌شده‌ای از تاریخ کشور ما و تاریخ اعتراضات جهانی بوده است. در اروپا قرن هفدهم و هجدهم تا پیش از صنعتی شدن، و در ایران دهه قبل از انقلاب مشروطه را دهه طلایی شورش‌های نان می‌دانند. در ایران همواره ویران کردن قواعد بازار و خشم تهیدستان شهری، نسبت مستقیمی با آمادگی توده‌ها برای مشارکت در انقلاب داشته است.

هیچ‌وقت در این شورش‌ها مسأله سیر کردن شکم به هر قیمتی نبوده، مردم به سیلوها و ذخایر حمله نمی‌کردند، بلکه به بنادری حمله می‌کردند که نان و غلات را برای سود بیشتر به خارج صادر می‌کردند، جالب



آنکه محموله‌ها را از بنادر مصادره می‌کردند، و به میدان اصلی شهر می‌آوردند تا به "قیمت منصفانه" بین مردم بفروشند و به شکل عادلانه بازتوزیع کنند. تصویر دیروز، یادآور همان میدان‌ها، و همان بهای منصفانه برای کرامت انسانی است که دو گونی برنج در برابر آن هیچ است. بهای منصفانه‌ای که نه نظم اجتماعی و اقتصادی پدرسالاری کهنه آن را درک می‌کند، و نه بنیادگرایی بازار آزاد که به همان میزان اقتصاد اخلاقی تهیدستان شهری را نادیده می‌گیرد.

دیروز مردم همان دو گونی برنجی را به هوا ریختند که تمام طرفین مدعی گمان می‌کردند می‌توان با آن کرامت انسانی مردم را زیر پا گذاشت.

اتحاد بازنشستگان



رئیس جمهور مدعی اصلاح طلبی نیز کشتار مردم را تأیید و از آن حمایت کرد

مسعود پزشکیان پس از دوهفته سکوت نسبت به کشتار مردم و برقراری حکومت نظامی اعلام نشده، روز گذشته با ظاهر شدن در صفحه تلویزیون تحت کنترل قاتلان مردم با تکرار طوطی وار اراجیف و اتهامات سخیف رهبر حکومت و بقیه سرکردگان حکومت و با تروریست و اغتشاشگر نامیدن مردم کشتار های وسیع دو هفته اخیر توسط نیروهای سرکوبگر را تأیید و از این جنایات هولناک حمایت کرد.



«شمار کشته‌ها شاید همین حالا به هزاران نفر رسیده باشد» روایت تایم از سرکوب خونین اعتراضات و برآوردهای غیررسمی از تلفات

روزنامه «تایم» در گزارشی که بامداد دوشنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶ منتشر کرده، از افزایش نگرانی‌ها نسبت به جهش شمار کشته‌شدگان اعتراضات در ایران تا سطح «هزاران نفر» خبر می‌دهد. تیربارهای نصب‌شده روی کامیون که خیابان‌های مسکونی را به رگبار می‌بندند، بیمارستان‌هایی که از مجروحان گلوله‌خورده پر شده‌اند، و پزشکی قانونی‌ای که تنها پس از نخستین شب حملات، با «صدها جسد» از پا افتاده است



بیانیه تازه سندیکای واحد در حمایت از جنبش مردم

حمایت از جنبش حق طلبانه مردم؛ پیشروی به سوی آزادی و برابری واقعی، نه بازگشت به گذشته



اعتراضات و اعتصابات مردمی در شهرهای مختلف کشور وارد یازدهمین روز خود شده است. با وجود تشدید فضای امنیتی، حضور سنگین نیروهای انتظامی و امنیتی، و برخوردهای خشونت‌بار، دامنه اعتراضات همچنان گسترده و متنوع باقی مانده است. بر اساس گزارش‌ها، در این مدت دست‌کم ۱۷۴ نقطه در ۶۰ شهر از ۲۵ استان شاهد اعتراضات بوده‌اند و صدها تن از معترضان بازداشت شده‌اند. متأسفانه در همین مدت، دست‌کم ۳۵ تن از شهروندان معترض، از جمله کودکان، جان خود را از دست داده‌اند.

از دی ۹۶ تا آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱، مردم ستم‌دیده ایران بارها با حضور در خیابان‌ها نشان داده‌اند که مناسبات اقتصادی-سیاسی حاکم و ساختارهای مبتنی بر استثمار و نابرابری را برنمی‌تابند. این جنبش‌ها نه برای بازگشت به گذشته، بلکه برای ساختن آینده‌ای رها از سلطه سرمایه، مبتنی بر آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی شکل گرفته‌اند.

ضمن اعلام همبستگی با مبارزات مردمی علیه فقر، بیکاری، تبعیض و سرکوب، صراحتاً مخالفت خود را با هرگونه بازگشت به گذشته‌ای اعلام می‌کنیم که نابرابری، فساد و بی‌عدالتی بر آن حاکم بود. ما بر این باوریم که رهایی واقعی تنها از مسیر رهبری و مشارکت آگاهانه و سازمان‌یافته طبقه کارگر و مردم ستم دیده امکان‌پذیر است، نه از طریق بازتولید اشکال کهنه و استبدادی قدرت. در این میان، کارگران، معلمان، دانش‌سنگان، پرستاران، دانشجویان، زنان و بخصوص جوانان، علی‌رغم سرکوب‌های گسترده، بازداشت‌ها، اخراج‌ها و فشارهای معیشتی، همچنان در صف مقدم این مبارزات قرار دارند و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بر ضرورت تداوم اعتراضات مستقل، آگاهانه و سازمان‌یافته تأکید می‌کند.

ما بارها گفته‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم: راه رهایی کارگران و زحمتکشان نه از مسیر رهبرتراشی از بالای سر مردم، نه با تکیه بر قدرت‌های خارجی و نه از طریق جناح‌های درون حاکمیت، بلکه از مسیر اتحاد، همبستگی و ایجاد تشکیلات مستقل در محیط‌های کار و زندگی و در سطح سراسری می‌گذرد. ما نباید اجازه دهیم بار دیگر قربانی بازی‌های قدرت و منافع طبقات حاکم شویم.

سندیکا همچنین هرگونه تبلیغ، توجیه یا حمایت از دخالت نظامی دولت‌های خارجی، از جمله آمریکا و اسرائیل، را قویاً محکوم می‌کند. چنین مداخلاتی نه تنها به نابودی جامعه مدنی و کشتار مردم می‌انجامد، بلکه بهانه‌ای دیگر برای تداوم خشونت و سرکوب از سوی حاکمیت فراهم می‌آورد. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که دولت‌های سلطه‌گر غربی، کوچک‌ترین ارزشی برای آزادی، معیشت و حقوق مردم ایران قائل نیستند.

ما خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان هستیم و بر لزوم شناسایی و محاکمه آمران و عاملان کشتار مردم تأکید داریم.

زنده باد آزادی، برابری و همبستگی طبقاتی

چاره زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ابوالفضل رحیمی شاد بازداشت شد.



امروز چهارشنبه ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴، ابوالفضل رحیمی شاد معلم بازنشسته و فعال سیاسی دقایقی پیش در خانه‌اش در تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت بازداشت ابوالفضل رحیمی شاد و سایر معلمان که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند، به حمایت هشدار می‌دهد که ادامه سرکوب معلمان می‌تواند به اعتراضات گسترده منجر شود. ۱۷ دی ۱۴۰۴

بیانیه وکلای دادگستری در محکومیت شلیک به معترضان

ما، جمعی از وکلای دادگستری، با ابراز همبستگی با مردم معترض ایران و با احترام به کنش‌های مدنی مسئولانه‌ی همکارانمان -از جمله استعفای اعتراضی و دسته‌جمعی از کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد- بر خود فرض می‌دانیم که نسبت به سرکوب عریان شهروندان و نقض گسترده حقوق بنیادین آنان، موضعی روشن و مسئولانه اتخاذ کنیم.

بر اساس گزارش‌های متعدد، مستند و مستقل، نیروهای نظامی و امنیتی با شلیک به سوی مردم معترض، موجب کشته و مجروح شدن شهروندان غیرمسلح شده‌اند. این اقدامات، نقض آشکار و فاحش حق حیات، حق تجمع مسالمت‌آمیز و اصول حاکم بر منع استفاده مرگبار از زور طبق موازین حقوق داخلی و تعهدات بین‌المللی حکومت است و مصداق جرایم جدی و غیرقابل اغماض تلقی می‌شود.

ما تاکید می‌کنیم که در شرایط سرکوب عریان، ایفای مسئولیت اخلاقی، مدنی و حرفه‌ای وکلای می‌تواند آشکال متفاوت و متناسب با شرایط هر فرد داشته باشد؛ از جمله خودداری از مشروعیت‌بخشی به خشونت، پایبندی به وجدان حرفه‌ای، ثبت و مستندسازی وقایع، و استفاده از ظرفیت‌های حقوقی در سطوح مختلف داخلی و بین‌المللی.

بر این اساس، ما اعلام می‌کنیم:

۱ - شلیک به معترضان و کشتار و مجروح‌سازی شهروندان را به شدیدترین وجه محکوم کرده و آن را قابل تعقیب و مجازات می‌دانیم.

۲ - هرگونه رسیدگی در مراجع فاقد صلاحیت و غیرقانونی مانند محاکم انقلاب اسلامی و ویژه روحانیت را فاقد اعتبار حقوقی می‌دانیم.

۳ - مسئولیت حقوقی و کیفری آمران، عاملان و تصمیم‌گیران این سرکوب -اعم از مسئولیت فردی متناسب با جایگاه سازمانی- قابل اسقاط نیست و مشمول مرور زمان نمی‌دانیم.

۴ - پیگیری حقوقی این وقایع از طریق سازوکارهای ملی و بین‌المللی، از جمله مستندسازی، اطلاع‌رسانی حقوقی و بهره‌گیری از نهادهای ذی‌صلاح را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنیم.

۵ - از کانون‌های وکلای و نهادهای حقوقی و صنفی می‌خواهیم که در چارچوب مسئولیت حرفه‌ای خود، نسبت به نقض گسترده حقوق مردم ایران بی‌تفاوت نباشند.



این بیانیه، یک هشدار حقوقی و اخلاقی روشن است: فرار از مسئولیت، پایدار نیست و نقض حق حیات و سرکوب عریان شهروندان، در حافظه جمعی ثبت شده و در مراجع حقوقی بین‌المللی مستند خواهد شد. امضا کنندگان:

۲۱۰ وکیل این بیانیه را امضا کرده‌اند



هفدهم آذر: تجمع همکاران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در لاوان

شانزدهم آذر: تجمع همکاران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در خارک

اهم مطالبات این همکاران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

از اعتراضات همکاران در بخش‌های مختلف حمایت میکنیم. #حذف_پیمانکاران اعتراضات_سراسری_نفت سقف_حقوق

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>